



## مگذاریم از یک قاتل تقدیر کنند! مگذاریم از احیای ساواک سخن گویند!

اینکه در روزهای اخیر چهره منفوری چون پرویز ثابتی، رئیس اداره سوم ساواک در تجمع‌های همبستگی ایرانیان با اعتراضات مردم ظاهر می‌شود و حتی حضور خود را بی‌شرمانه به نمایش می‌گذارد، پیام شومی در بردارد: شکستن قبح شکنجه و قتل و عادی سازی جنایت. تصادفی نیست که در میان سلطنت‌طلبان، شاهد موج تقدیر از این «مقام امنیتی» هستیم. در شبکه‌های اجتماعی، کسانی که شخصیت مورد تقدیرشان پرویز ثابتی است، همزمان از لزوم احیای ساواک سخن می‌گویند.

باید پرسید که چرا جنبش دادخواهی آن‌سان گسترده و استوار نشده است که جلاد صاحب‌نام و دارای پرونده‌ای روشن، جسارت می‌یابد در میان جمع حاضر شود.

پرویز ثابتی نماد قدرت ساواک است در زمانی که شکنجه نظام‌یافته شد و به مهارتی تبدیل شد که به خاطر آن شکنجه‌گران لقب «دکتر» هم می‌گرفتند. «مقام امنیتی» همچنین بنیان‌گذار شیوهی اعتراف‌گیری تلویزیونی است. و او تصمیم‌گیرنده بود در مورد قتل زندانیانی که در بی‌دادگاه‌های خودشان به حبس محکوم شده بودند. او در جنایت قتل ۹ زندانی سیاسی بر روی تپه‌های اوین در فروردین ۱۳۵۴ نقش مستقیم داشته است.

پرویز ثابتی در دوره‌ی اعتلای انقلاب ۱۳۵۷ پیش از خود شاه از کشور گریخت. ساواک آنچنان منفور بود که نظام متزلزل به انحلال آن تن داد. اما این رخدادها به معنای پایان کار ثابتی و دستگاه ساواک نبود. ساواک، سنتی را از نظر پرونده‌سازی، شکنجه، سر به نیست کردن مخالفان، و نمایش اعتراف اجباری تلویزیونی بنیان گذاشت که رژیم خمینی آن را در ابعاد وسیع‌تری ادامه داد. بخشی از دستگاه ساواک در خدمت دستگاه امنیتی حکومت اسلامی قرار گرفت. پرونده‌های ساواک کمک بزرگی به پیگیری مبارزانی کرد که به همان دلیل که با رژیم شاه مخالف بودند علیه رژیم خمینی هم به مبارزه برخاستند. بسیاری از کسانی که در «خاوران»‌ها دفن شده‌اند، زمانی اسیر دستگاه امنیتی پرویز ثابتی بوده‌اند و زخم شلاق شکنجه‌گران ساواک را بر پیکر داشته‌اند.

پرویز ثابتی تا مدتها مخفی بود اما وقتی دید که رژیم جدید تبهکاری را به آن حد رسانده که رژیم کهنه روسفید می‌نماید، به سخن درآمد و به دفاع از ساواک پرداخت. او قبح دفاع از ساواک را شکست و پس از آن سلطنت‌طلبان به حیثیت‌بخشی به نظام اختناق و شکنجه‌گری در دوران شاه رو آوردند.

آیا جنایات ساواک و کسی چون پرویز ثابتی موضوع دادخواهی نیست؟ آیا قرار نیست با نفس شکنجه و با نفس اختناق مخالفت شود؟ جنایات‌های رژیم جمهوری اسلامی نباید باعث تطهیر ساواک و جنایات آن گردد. اگر خود را پایبند به موازین حقوق بشر و میثاق‌های آن می‌دانیم و جمهوری اسلامی را از بابت پایمال کردن این ارزش‌ها محکوم می‌کنیم، نمی‌توانیم و نباید چشم بر گذشته ببندیم.

### ما دادخواهیم!

ما امضاکنندگان اولیه این نامه درست به همان دلیل که در برابر رژیم ولایی به دادخواهی برمی‌خیزیم، در برابر نظام سلطنت هم دادخواه بوده و اکنون نیز هستیم. ما در جوانی به مقابله با رژیم شاه برخاستیم، و ورای هر خط مشی مبارزاتی در درجه نخست علیه ستم و نابرابری بوده‌ایم. به زندان افتادیم، شکنجه شدیم و بسیاری از یارانمان را از دست دادیم. رژیم

تازه و فضایی که ایجاد کرد اجازه نداد دادخواهی به جریان افتد و فرهنگ ساز شود.

اکنون پا در یک دوره‌ی تازه از تاریخ دادخواهی گذاشته‌ایم. این دوره صرفاً باری حقوقی و قضایی ندارد و می‌تواند نقشی سازنده در تأسیس یک نظام به راستی دموکراتیک ایفا کند. پرده‌پوشی جنایات دوران سلطنت، و فراموش کردن نقش سنت ساز ساواک در تداوم اختناق و سرکوب با اراده به آزادی‌خواهی و رفع ستم نمی‌خواند.

این‌که حضور در تجمعات برای همگان آزاد است، نباید به معنای نادیده گرفتن مصونیت افراد از جرایم سنگین نقض حقوق بشری تلقی شود. بحق بود اگر مدت‌ها پیش در خارج علیه پرویز ثابتی و کسانی چون او شکایت می‌شد و بر اساس اصل عدالت جهانی و جهان‌شمولی حقوق بشر رئیس‌ان و جلادان ساواک مجبور می‌شدند در برابر قربانیان خود قرار گیرند. تجربه امکان‌ها کم بود و متأسفانه در این باره کوتاهی صورت گرفت. اما هنوز دیر نشده است.

خطاب این نامه عموم مردم ایران است. از همه‌ی دادخواهان، از همه‌ی وجدان‌های بیدار، از همه‌ی کسانی که با نفس شکنجه و سرکوب و تبعیض و اعدام مخالف‌اند، می‌خواهیم که این نامه را امضا کنند.

امیدواریم بتوانیم به یاری مردم آزادی‌خواه، پرویز ثابتی را به دادگاه بکشانیم. **او قاتل است!**

### زندانیان سیاسی زمان شاه

-  
یوسف آبخون

رسول آذرنوش

نسرتین آزاد

محمد آزادگر

پروین آهوکلندری

ابراهیم آوخ

مهدی ابراهیم زاده

داریوش ارجمندی

حسن آزادفر

محمد رضا الاردبیلی

رضا اکرمی

فرخنده اعظمی

محمد اعظمی

تقی اغنیا

ناهید افراخته

فرید افراخته

احمد امانی

محمدهادی امینیان

حسین انورحقیقی

عباسقلی انورحقیقی

اصغر ایزدی

ارژنگ بامشاد

منیره برادران

احمد بناساز نوری

مهین بروجردی

امیرحسین بهبودی

اژدر بهنام

مهدی پرویز

مریم پورتنگستانی

حسین پورجانکی

سعید پورعبداللہ

ارسلان پورقباد

تقی تام

ابرج تقی زاده

زهره تنکابنی

منیر توفیق

مهدی جباری

حسن جعفری

عاطفه جعفری

طوبا جمالی

فردوس جمشیدی رودباری

سارا جوشنی

رضا جوشنی

ناصر جوهری

سیف الدین حاتملوی

محمدرضا حدادپورخیابان

ایوب حسین بر  
حمید حسینی  
نسیم خاکسار  
اصغر خرسند  
بهروز خلیق  
احمد خوشبخت  
آرتا داوری  
محمد دستگیر  
اکبر دوستدار  
ابراهیم دین خواه  
جواد رحیم زاده اسکوئی  
ناصر رحیم خانی  
ناهد رحیمی  
نسرین رضائی  
مهرانگیز رضانی  
تقی روزبه  
یعقوب ریگی  
حسین سازور  
سهیلا ستاری  
علی ستاری  
کیومرث سلطان آبادی  
هدایت سلطان زاده  
اکبر سوری  
اکبر سیف  
محمد رضا شالگونی  
ملیحه شریف زاده  
حماد شبیانی  
زهرا طبائی  
عبدالله طلوع هاشمی

مجید عبدالرحیم پور

نادر عصاره

ثریا علیمحمدی

طاهره غروی

هبت غفاری

محمد فارسی

مسعود فتحی

مسعود فروزش راد

محسن فومنی

نصرالله قاضی

اسفندیار کریمی

بهزاد کریمی

فرزاد کریمی

فریده کمالوند

علی کهربائی

حسن گلشاهی

روبن مارکاریان

بهجت محجوبی

عفت محجوبی

احمد محمدی

ضرغام محمودی

منوچهر مختاری

مصطفی مدنی

اکبر معصوم بیگی

بهرز معظمی

افسر معمارزاده

مسعود ملازاده

مرتضی ملک

میرشجاع ملکوتیان

مریم ممبینی

محمد منیری فاضل

اردشیر مهرداد

اشرف میرهاشمی

علیرضا میرمویدی

ناهدید ناظمی

شهین نوروزی

پرویز نویدی

صدیقه نیک بخش

مرتضی نیکی

شمسی ورزیده

منیر هاشمی

مهشید یاسری